

خطبه غدیر، شقشقیه پیامبر است. یعنی مجموعه درد دل های رسول الله. بعضی جمله هایش مو را به تن آدم سیخ می کند. اصلاً آدم انگشت به دهان می ماند که چرا پیامبر خدا مرتب یک جمله را تکرار می کند: «این حرف من نیست، حرف خداست.» آخر یکی نیست بگوید: «یا رسول الله؛ حرف شما با حرف خدا برای ما فرقی ندارد، چون ما تو را از خدا می دانیم» اما هیچ کس چنین نمی گوید. پس پیامبر باز هم تکرار می کند:

إِنَّ جَبْرِيْلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدَ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي .

همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام پروردگرم - که تنها او سلام است - فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امت من و امام پس از من است.

انگار هیچ کس در آن دیار، ولایت رسول الله را - آن طور که شاید و باید - قبول ندارد. پس می توان حدس زد که بعد از رسول الله چه بر سر آل الله بیاید. حتی می توان حدس زد که در سال های نه چندان دور، با زینت دوش پیامبر چه خواهند کرد... کافی است نگاهی به عاشورا بیندازید تا ببینید عاقبت نپذیرفتن ولایت ولی الله را...